روزی که ایتالیا به هم ریخت
مردی که باید رئیس جمهور می‌شد
مک لارن سرانجام اوج گرفت
۲۲

آری هان، نیکبخت را می خواهد
گفت‌وگوی برانکو با روزنامه اکیپ
یک نام بزرگ به جای بالاک
۲۳

بازگشت جناب سرهنگ
کلنجار با برانکو
هدیه به تیم ملی
۲۴

عکس: مهدی حسنی، شرق

ستاره ها با ترانه ایران

فالش برای جام جهانی

صدرا مهرابی: مجری برنامه با هیجان و حرارت و بدون اینکه نگاهی به تکست زیر دستش بکند، گفت: «بینندگان عزیز! امروز یکی از ورزشکاران ما آمده تا استعدادش را نشان دهد. حتماً دفاع راست بانک ملی را می شناسید... آقای حسین یاریار...» میکروفن برنامه «زنگوله ها» که برنامه مشهور برای معرفی استعدادهای پنهان دنیای آواز و موسیقی بود در دست حسین یاریار قرار گرفت و او هم چند آهنگ را اجرا کرد. یکی از آهنگ ها مال خودش بود. بعد از پایان اجرا حضار برایش کف زدند و این امید را در دلش شکوفا کردند که می تواند به غیر از فوتبال، خوانندگی را هم پیشه کند، اما چند ماه بعد فضای جامعه کاملاً عوض شد و فقط این خاطره باقی ماند تا امروز نوشته شود: «اولین فوتبالیستی که خواننده شد، حسین یاریار بود.» البته همان روزها یکی دیگر از فوتبالیست ها هم بود که می خواند؛ مهدی حیدری بازیکن اکباتان که بیشتر در جمع دوستان و در مجالس می خواند و به خاطر صدای بم و پرطنینش به «مهدی تام جونز» معروف شده بود. اما مهدی حیدری در هیچ برنامه رسمی صدایش را نشان نداد تا لقب اولین را به یاریار واگذارد. جالب است که این دو بالاخره بعد از سال ها به عالم هنر بازگشتند؛ هنری آمیخته با فوتبال: «تیم فوتبال هنرمندان». نسل سومی های فوتبال پس از انقلاب، این روزها می توانند به چیزهای دیگری غیر از فوتبال هم فکر کنند. برعکس نسل اولی ها که غیر از تمرین و بازی مجبور بودند برای تامین دخل و خرج زندگی، دنده صدتا یک غاز تاکسی نارنجی را عوض کنند یا در ادارات ساعات کاری پر کنند و البته نسل دومی ها که دستشان به دهنشان می رسید اما فضا برای شان جوری نبود که کسی وجود یک خواننده را در بین فوتبالیست ها تحمل کند. این روزها اما خیلی از تابوها شکسته شده و دستگاه گوارش جامعه هم خیلی چیزها را هضم می کند، چیزهایی که تا همین چند سال پیش پس می زد. چند وقتی است که دوستی هنرپیشه ها و خواننده ها با اهالی فوتبال هم علنی تر از قبل شده و روزی نیست که عکس یادگاری دست در گردن آنها روی جلد مجله ها و هفته نامه ها نقش نبندد. بالاخره این رفاقت ها یک روز کار خودش را می کند و بعضی از بازیکنان را وسوسه می کند که جست بلندی بزنند و از وادی فوتبال به عالم آواز بپرند. درست مثل پژمان جمشیدی، مهرداد میناوند و نیما نکیسا که عکس سه نفری آنها به هنگام خواندن ترانه ای به مناسبت حضور در جام جهانی، عکس داغ یک روزنامه ورزشی بود.

■■■

پژمان جمشیدی از شنبه هفته قبل در حالی تمریناتش را برای جام جهانی شروع کرد که بیست و پنج بازیکن دعوت شده از سوی برانکو در کمپ تیم های ملی صبح و عصر تمرینات سخت تری را پیش رو داشتند. او پس از یک فصل درخشان که با حضور در تیم منتخب فصل چند روزنامه به پایان رسید، از کاندیداهای اردوی تیم ملی بود، اما آنطور که خودش می گوید «حقش را خوردند». با این همه پژمان برای رفتن به جام جهانی بیکار ننشست. یک پیشنهاد خام تا او به همراه مهرداد میناوند و نیما نکیسا عملاً سومین گروه داخلی باشند که آهنگ ایران در جام جهانی را می خوانند. دو بازیکنی که در جام جهانی ۸ سال قبل حاضر بودند و به همراه خود پژمان که در تیم یک دست چهار سال قبل از نفرات اصلی تیم به شمار می رفت، فعلاً در قیاس با امیر تاجیک و علیرضا عصار یک قدم جلوتر به نظر می رسند؛ با آهنگی فوتبالی تر که با ریتم و ضرباهنگ تندی که دارد، برای جماعت طرفدار بازی های تیم ملی در آلمان شاید انتخاب مناسب تری باشد. اگرچه آنها که بدون حمایت اسپانسرها کار را پیش می برند و قصد دارند تهیه کنندگی کار هم با خودشان باشد، به جای فدراسیون احتمالاً با دو سه شبکه تلویزیونی طرف حساب می شوند. میناوند می گوید: «از چند شبکه ایرانی خارج از کشور پیشنهاد داده اند. همین الان هم آنها می خواهند کار را از ما بخرند.» شبکه سه هم مشتری آهنگ گروه سه نفره جمشیدی، میناوند و نکیسا است که به رغم تمرین کمتر و یک هفته وقتی که تا حالا گذاشته اند، قابل قبول از کار درآمده. شعر آهنگ را که دکتر شاهین شاهین زاد گفته، این گونه است: «دوباره یک حماسه، دوباره پهلوانان/ دوباره در اهتزاز پرچم پاک ایران
یک مستطیل سرسبز، میدان ده دلاور/ یک شیرمرد در آن سو، محکم درون سنگر
زمزمه تکاپو، حس امید و وحدت/ ای تیم ملی ما خدا پشت و پناهت
چشم تمام ایران به ساق پای شیران/ مردان ما بتازید به یاد آن دلیران
دعای خیر مردم نذر تلاشتان باد/ زنده کنید دوباره عشق و امید و فریاد
دوباره گل بکارید، به تور این حریفان/ تا که جهان بلرزد با نام تیم ایران
کاری کنید که حک شه بر لحظه های امروز / ایران همیشه جاوید ایران همیشه پیروز.»

در لابه لای آهنگ نیز البته شعارهای استادیومی و ملودی های خاص فوتبال به چشم می خورد. درست مثل «حمله حمله تیم ایران، گل بزن گل بزن یاالله قهرمان» که با همخوانی دسته جمعی دوست داشتنی تر شده و یا همهمه ای که به سبک طرفداران دوآتشه، روی کار ضبط شده است. جمشیدی می گوید: «ما سعی کردیم تا جایی که می توانیم به استادیوم و جوی که دارد، نزدیک باشیم.»

■■■

کار ضبط آهنگ جام جهانی در استودیویی در سعادت آباد تهران انجام می شود. طبقه همکف از یک مجتمع مسکونی چهار طبقه که این روزها هر بعدازظهر میزبان فوتبالیست های سابقاً ملی پوش است که البته به اندازه چند سال قبل چهره نیستند.

آنها دوروبر ساعت چهار در استودیو جمع می شوند تا مرحله به مرحله ضبط آهنگ را کامل تر کنند. از جمع آنان البته نکیسا و میناوند یک فصلی می شود که پشت خط هستند. میناوند که پس از جدایی از راه آهن و با وجود مذاکره با دو سه باشگاه اتریشی بدون تیم است و نکیسا نیز که از اوایل فصل به صلاحدید دنیزلی از مجموعه پاس کنار رفت. این دو همبازی قدیمی در روزهای تعطیلی اول از همه سراغ موسیقی رفتند. به ویژه نکیسا که دلمشغولی اصلی اش خارج از زمین همین موسیقی است. او که با خواندن بیت یک مستطیل سرسبز میدان ده دلاور/ یک شیرمرد در آن سو محکم درون سنگر، صدایش بین مهرداد و پژمان، جلوه خاصی دارد، می گوید: «همین یک تکه به من احساس قشنگی می دهد و هیجان و حالت خوبی از خواندن این بیت دارم.»

نیما نکیسا که پیش از این برای دیگران ساز می زد حالا از دوستانش کمک می گیرد و کنسرت هم برگزار می کند. چند وقتی هم هست که کلیپ یکی از قطعات آلبومش به نام «عروس بندر» در شبکه های تلویزیونی به نمایش درمی آید؛ آهنگی که به قول نیما برگرفته از موسیقی فولکلور جنوب است و برای ساخت آن کلی دردسر درست شده. «کلیپ عروس بندر با وسواس زیادی ساخته شد. خیلی از دوستان سینمایی ام ناراحت شدند که چرا ساخت این کلیپ را به آنها ندادم.»

ادامه در صفحه ۲۴

از پاواروتی تا ایل دیوو

هر ۴ سال یک بار جام جهانی فوتبال از راه می رسد و جادوی آن بر همه چیز حاکمیت می یابد و امسال نیز مستثنی از قاعده نیست.

امسال (۲۰۰۶) و برای جام جهانی آلمان نوبت گروه «ایل دیوو» رسیده است. گروهی که هوادارانش می گویند آنقدر سنگین می خواند که کارهایش از رده و شاخه POP بسیار فراتر می رود و مخالفانش یقیناً همین را عمده می کنند و می گویند این گروه که نمی تواند خود را در چارچوب های پاپ یعنی رشته تخصصی اش جا دهد، چگونه می خواهد سایر قالب ها و قواعد موسیقی را حفظ و اجرا کند؟! هر یک از موارد فوق که صحت داشته باشد، باید متذکر شد که خوب یا بد و ضعیف یا قوی و در چارچوب یا خارج از آن، با رسیدن هر دوره جام جهانی سرودها و آواهای آن و خواندن آن را به فرد یا گروهی خاص می سپرند ولی اگر در کشور ما بر سر اینکه بالاخره عصار بخواند یا دیگری انواع اخبار و شایعات متفاوت درج و پخش و سپس تکذیب شده است. در خارج از این گونه تردیدها را نمی یابید و از مدتی پیش مطلع می شوید که چه کسی می خواند و چه چیزی می خواند و چه موردی از آن تعقیب می شود و اهداف و افق ها و دورنماها چیست.

به همین منوال چهار سال پیش مشخص و بدون قید و شرط اعلام شد که سرود ویژه جام جهانی کره ـ ژاپن را آناستازیا خواهد خواند. در همان زمان نام ترانه او نیز اعلام شد که «BOOM» بود و نمادی از انرژی و شور و تحرک ورزش ـ اجتماعی محسوب می شد. این آهنگ را می شد در کنار آلبوم کلی مسابقات یافت که در فاصله چند ماه به شروع رقابت ها منتشر شد. نام آن را آلبوم رسمی جام جهانی گذاشته بودند و فروش زیادی هم در سطح جهانی داشت. آن آلبوم سرشار از آهنگ هایی از سبک ها و گونه های متفاوت بود و هر یک به قشرهای مختلف مربوط می شدند. هم موسیقی سبک لاتن در آن پیدا می شد و کارهای پاپ ساده و سطحی و هم نمونه های مختلف راک. به ۴ سال بعد از آن تاریخ و به واقع به زمان حاضر سفر می کنیم. امروز هم که قرار است گروه ایل دیوو در مراسم افتتاحیه جام بخواند و در اجرای قسمت عمده ای از متن آلبوم جام دست داشته باشد، همان روال دایر است. اگر در آلبوم سال ۲۰۰۲ کارهای سنتی تر (و مبتنی بر فولکلور) مانند آواهای جسیکا فالکر شنیده می شد، مشابه آن را در آلبوم ۲۰۰۶ هم با آدم هایی تازه بجویید. سال و تاریخ عوض شده، اما زمانه لااقل در قیاس با دوره گذشته جام جهانی چندان تغییر نیافته است و الگوهای کاری کنونی مثل موازین گذشته هستند. با این حال تمام این اشتیاق ها و آواها از خود جام جهانی برمی خیزد. از مسابقه ای که با خود دنیایی شور و هیجان می آورد و همسو با آن مناسبت ها و حرکات فرهنگی را نیز موجب می شود. زمانی ونجلیس برای جام جهانی موسیقی سروده است و دوره ای نلی فورتادو. در تمام ادوار اخیر از سه خواننده بزرگ اپرا یعنی لوچانو پاواروتی، خوزه کاره راس و پلاسیدو دومینگو خواسته اند که بیایند و کنار هم آوازی اپرایی و پرشکوه برای جام جهانی بخوانند و شکوه و رونق را به حد اعلا برسانند، کار آنها چیزی در حد کمال بوده است. وقتی این سه خواننده پرطنین اول بار در سال ۱۹۹۰ و برای جام جهانی ایتالیا دست به آن کار زدند، یک چیز ابتکاری بود و همه در ابتدا می پرسیدند اپرا کجا و فوتبال کجا. امروز همه می پرسند چرا آن همکاری زودتر دایر نشده است. اگر در آن زمان دومینگو و یارانش میانسال بودند، حالا با بیش از ۶۰ سال سن در آستانه بازنشستگی قرار دارند (دومینگو به واقع بازنشسته شده است) ولی آوای «فوتبال و اپرا» و همکاری و همسویی آنان پابرجا ماند.

امروز می توان به صراحت گفت که ۴۵ فوتبالیست ملی پوش از کشورهای مختلف در دو دوره گذشته جام جهانی در خواندن آوازهای مربوط به جام نقش و مشارکت داشته اند و قرار است در جام ۲۰۰۶ قدری کم و بیش در این امر شرکت داشته باشند. بله این یک رسم و عادت زیبا است که دیگر از صحنه فوتبال و ورزش محو نخواهد شد. بنابراین بدیهی است که در ادامه این روند در آستانه برگزاری جام جهانی از ۳۲ کشور حاضر در مسابقات بخواهند که راساً یک آهنگ و ترانه برخاسته از فرهنگ و آیین و رسوم شان و دربردارنده آرزوهای خود تهیه و تنظیم و عرضه کنند و آن آهنگ ها طی جام جهانی برای تمامی مردم دنیا پخش شوند. این هم طبیعی است که فوتبالیست ها مکرراً در پی آوازخوانی بروند و هنرمندان، تیم های ورزش تشکیل بدهند و هم و غم خود را روی شکست دادن فوتبالیست ها بگذارند. جام های جهانی این شور و شوق ها را بیشتر می کند اما اگر هم این جام ها در کار نبود فوتبالیست ها از جادوی هنر و هنرمندان از سحر ورزش رهایی نداشتند و همانی را می دیدیم که الان می بینیم و شاید زیبایی کار در همین نکته نهفته باشد.

خبر آخر

علی آبادی: با قیافه مردانه ورزش کنید

رئیس سازمان تربیت بدنی در اولین نشست خود با رئیسان فدراسیون های ورزشی تاکید کرد: با هر ورزشکاری که بخواهد با قیافه ای زنانه به میادین ورزشی وارد شود برخوردی جدی و مدیریتی خواهم کرد.

مهندس محمد علی آبادی در این نشست به اشاعه فرهنگ ایرانی و اسلامی در میان ورزشکاران پرداخت و اظهار کرد: شرکت در مراسم های مذهبی از ارزش های بزرگ برای ما محسوب می شود؛ اما باید بدانید که مسائل فرهنگی تنها حضور در مراسم مذهبی نخواهد بود. همین که شما در این نشست از مسائل فرهنگی صحبت می کنید، اولین قدم در راه اشاعه مسایل فرهنگی خواهد بود. وی خطاب به ورزشکاران تاکید کرد: انصافاً برای ایران که دارای تاریخی ۲۵۰۰ ساله در ایران زمین و تاریخی ۱۴۰۰ ساله در دین مبین اسلام هست، بسیار زننده است که جوانان بخواهند با آرایش به میدان مسابقه پا بگذارند. از همین حالا به شما تکلیف می کنم که با این روند به شدت برخورد کنید. اگر شما این کار را انجام ندهید من از حضور ورزشکارانی با ریخت و قیافه های زنانه جلوگیری خواهم کرد. اگر آنها از دستم در بروند نیز در آینده محروم خواهند شد. عذر چنین ورزشکارانی را خواهم خواست. وی افزود: وقتی آقایی وارد زمین شده، موهایش را چند رنگ زده و به آرایش ابروهایش پرداخته این بی احترامی به جامعه است.

رئیس سازمان تربیت بدنی ادامه داد: ما با جامعه جوانی مواجه هستیم که دوست دارد لباس زیبا و شیک بپوشد، نمی خواهیم وارد مسائل ریز فرهنگی شویم بلکه شما نیز وظیفه دارید از نزدیک و با صمیمیت با آنها برخورد کنید. از روحانیون بخواهید در اردوهای تیم های ملی حضور یابند و به هدایت ورزشکاران بپردازند. ممکن است جوانان بدون توجه به انجام کاری پرداخته اند بنابراین نباید آنها را از جمع خود برانیم و باید به نرمی و ملاطفت آنها را ارشاد کنیم.

وی خطاب به اعضای حاضر در این نشست گفت که شما نگران دو تا سه مدال المپیک نباشید و افزود: مسائل اخلاقی برای ما بیشتر از مدال های جهانی، المپیک و آسیایی اهمیت دارد.

معاون رئیس جمهور در بخش دیگری از صحبت های خود در رابطه با مقوله اقتصاد ورزش گفت: شما فدراسیون های ورزشی هر کدام به صورت NGO تعریف شده اید و باید در راستای اقتصاد ورزش گام های جدی بردارید. از طرفی با توجه به بودجه خوب سازمان تربیت بدنی و فدراسیون های ورزشی می توانیم شرکت قدرتمندی داشته باشیم که منابع سازمان تربیت بدنی و فدراسیون های ورزشی که بلا استفاده مانده است را در آنجا برای انجام کارهای اقتصادی جمع کنیم. اگر این رشته را به سرمنزل مقصود برسانیم بخشی از هزینه های سازمان تربیت بدنی تامین خواهد شد.

دقیقه صفر

این است جادوی موسیقی

وصال روحانی

موسیقی و فوتبال بی ارتباط با یکدیگر نیستند و حتی به لحاظ غریزی و حسی همیشه رابطه و پیوند نزدیکی با هم داشته اند بدین خاطر است که باید پرسید چرا اکثر آهنگ ها و ترانه های ورزشی و یا آواهای هنری خوانده شده توسط ورزشکاران کم تاثیر و بیش از حد ملایم بوده و دنیا را تکان نداده اند.

در سال های اخیر بارها برخی نشریات و کارشناسان تلاش داشته اند که بهترین ترانه های متکی بر سوژه فوتبال را بیابند و آنها را رده بندی کنند و البته کمتر به نتیجه رسیده اند. شاید هم مشکل بیشتر به این نکته برگردد که سلایق مردم در این ارتباط بسیار متفاوت است و گاهی آهنگ های محبوب یک گروه از نظر سایرین ارزش بالانشینی در جدول برترین ها را ندارند. با این حال حتی یافتن اولیه آهنگ ها و ترانه هایی که باید در این لیست قرار گیرند، کار سختی است.

یک سئوال اصلی و مهم این است: خصلت مهم و لازم یک ترانه مبتنی بر سوژه فوتبال چیست؟ اگر یک ترانه فقط به یک تیم و یکی دو فرد خاص بپردازد چرا سایرین هم باید آن را بپذیرند و تحسین کنند؟ حتی اگر این ترانه ها زیبا باشند، آیا می توان آن را به کل جامعه بسط داد؟

جذابیت ها بیشتر از این نکته نشأت می گیرد که در میان آوازه خوانان و کسانی که ترانه های ورزشی را خوانده اند، چهره های معروف ورزش فوتبال نیز زیاد یافت می شوند. اگر چند سال پیش تعدادی از فوتبالیست های مشهور شامل زیدان، کاناوارو، بکام، آنری و لیونگ برگ آواز مشترکی تحت عنوان «Love United» را خواندند، داشته ایم موارد متعددی را هم که فقط تک فوتبالیست های مطرح زمان بدون همکاری و هم آوایی با سایر چهره های مشهور اقدام به پر کردن صفحات موسیقی و سی دی های مختلف کرده اند. چند سال پیش جان فرانکو زولا این کار را انجام داد. هافبک کوتاه قد اما کارساز ایتالیایی در آن زمان در چلسی بازی می کرد و آواز و ترانه او «مرد جذاب» نام داشت. و داشته ایم ترانه هایی را هم که دیگران به نیت ستاره های فوتبال و برای آنان خوانده اند به عنوان مثال ترانه «بسیار زیاد، بسیار جوان» برای جودی موریس هافبک سابق چلسی و ترانه «ذخیره» که برای جو کول دیگر بازیکن چلسی تهیه و عرضه شدند، قابل ذکر هستند و البته کول بر خلاف زمان عرضه آن ترانه اینک نه یک بازیکن ذخیره بلکه از مهره های اصلی و سرنوشت ساز چلسی و تیم ملی انگلیس است.

آثاری که نام بردیم، فروش خوبی داشته و در جدول پرفروش ترین ترانه های روز نیز جای قابل توجهی را به خود اختصاص دادند.

کیفیت؟ همان طور که پیشتر گفتیم چیز فوق العاده ای را در برنداشتند. وقتی اسم این ستاره ها می آید و مسئله ادغام «فوتبال سرعتی» با جذابیت های هنر متحول به میان می آید، انتظار و توقع این است که حاصل کار بسیار بهتر و غنی تر از این باشد.

همه اینها زمانی مهم تر و تاسف آورتر جلوه می کند که در نظر بگیریم اکثر ترانه های روز در سطح جهان برخلاف دهه ۱۹۷۰ فاقد غنا هستند و سطحی و کم ارزش بودن از آن می بارد. حضوری کوتاه مدت در جمع فوتبالیست ها و پرس وجو از آنها نیز ما را به این باور می رساند که آنان اغلب سلایق عجیبی دارند و کیسی کیلر دروازه بان آمریکایی که پیشتر در لیگ انگلیس بازی می کرد و اینک کارش را در بوندس لیگا تعقیب می کند، یک نمونه روشن در این ارتباط است.

وقتی از او سلایق اش را می پرسید و این سئوال را مطرح می کنید که به چه آهنگ هایی علاقه دارد اسم هایی را می آورد که چندان هوشمندانه نیستند و یکی از آهنگ هایی که او دوست دارد حتی در هفته های نخست عرضه اش وارد ۱۰۰ رده اول جدول پرفروش ها نیز نشده بود. نه اینکه سلایق و ایده های دیگران بسیار بهتر و زیباتر باشد. استیو استون هافبک سابق ناتینگام فارست که به تیم ملی انگلیس هم دعوت شد کارهای گروه «اینفرنو» را دوست دارد که هر چند در چارت آهنگ های پرفروش جای گرفته بود اما خیلی ها آن را سطحی می دانند. گایزکا مندیتا هافبک اسپانیایی که چند سالی است فوتبال باشگاهی اش را در انگلیس و در تیم میدلز بورو تعقیب می کند، نیز سلایق سطح پایینی دارد و اگر انتظار دارید که مثلاً آلن استابز مدافع سابق سلتیک، ریو فردیناند مدافع ملی پوش کنونی منچستر یونایتد و یا کریستین دیلی هافبک ملی پوش سلتیک اسکاتلند بسیار بهتر و با کلاس تر از این بیندیشند اشتباه کرده اید. هرگاه وارد اتومبیل دیلی می شوید، بر روی «پخش» آن آهنگ های گروه «رادیو هد» شنیده می شود و فردیناند نیز «آبا» را دوست دارد که هر چند هنوز هم فوق العاده نشان می دهد اما شاید متعلق به سال ۲۰۰۶ نباشد.

گاهی برخی از ورزش پیشه ها و هنرمندان به همکاری به قصد تولید سی دی ها و نوارهای مختلف موسیقی می پردازند. الگوها و نمونه ها در این زمینه فراوان اند و در میان شان هم «خوب» یافت می شود و هم «بد». تری ونبلز مربی مشهور فوتبال بریتانیا از آن دست چهره ها است که به همکاری با یک گروه موسیقی به نام «ارکستر جو لاس» پرداخته است.

ادامه در صفحه ۲۴